روسیه با سرمایه گذاری خارجیان در گاز پروم موافقت کرد

ایسنا: وزارت دادگستری روسیه با حذف محدودیت سرمایه گذاری خارجیان در سهام شرکت بزرگ گازپروم موافقت کرد و یکی از آخرین موانع را از سر راه خصوصی سازی آن برداشت.

گالینا ورونچونکوا، وزیر اقتصاد روسیه اعلام کرد که وزارتخانه اش اسناد نهایی را به دولت تسلیم خواهد کرد، اما سیمپسون، خبرنگار بی بی سی در مسکو، می گوید که گاز پروم بازیگری بزرگ در بازار جهانی انرژی است.

تاکنون خارجیان برای خرید سهام این شرکت سودآور با تنگنا مواجه بودند زیرا روسیه می ترسید مالکیت آن را از دست بدهد. اما حالا دولت ۵۰ درصد سهام گازپروم را دارد و برای همین ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه می گوید که لغو محدودیت مالکیت خارجیان را در اولویت قرار داده است.

وقتی این محدودیتها در نهایت برچیده شود، گازپروم ظرف مدت کوتاهی به یکی از بزرگترین شرکتهای سهامی دنیا تبدیل خواهد شد و بهره بسیاری از سرمایه گذاران خارجی را جلب خواهد کرد.

هشدار «اکونومیست» به آمریکا درباره بیمه تروریستی

هفته نامه «اکونومیست» چاپ لندن درباره نتایج زیانبار حمایت نکردن از شرکت های بیمه در حوادث تروریستی به آمریکا هشدار داد.

اکونومیست نوشت: درپی حمله های تروریستی ۱۱ سپتامبر در نیویورک شرکت های بیمه درآمریکا مجبور به پرداخت مبالغ هنگفتی خسارت شدند تاجایی که بسیاری ازاین شرکت ها پس ازاین حوادث ازارائه بیمه حوادث تروریستی خودداری کردند.

هفته نامه انگلیسی افزود: بااین حال دولت آمریکا با تصویب قانون موقت و کوتاه مدتی با عنوان «قانون خطر بیمه تروریستی» (تریا) تلاش کرد اطمینان را به شرکت های بیمه فعال در آمریکا بازگرداند.

«براساس این قانون در صورتی که یک حمله تروریستی در آمریکا موجب بروز میزان خسارتی بیش از پنج میلیون دلار شود آنگاه دولت در پرداخت خسارت به شرکت های بیمه کمک خواهد کرد.

این قانون کمک بزرگی به متعادل شدن بازار بیمه بود و همچنین موجب شد بسیاری ازاین شرکتها زیان های ناشی از حمله های ۱۱ سپتامبر را جبران کنند.»

اکونومیست نوشت: با این حال مهلت اجرای قانون تریا تا پایان سال جاری میلادی است و مسؤولان دولت آمریکا هنوز تصمیمی درباره تمدید مدت زمان آن نگرفته اند.

هفته نامه انگلیسی نوشت: دولت آمریکا تاکنون با تأکید بر کوتاه مدت بودن قانون تریا با تمدید این قانون مخالفت کرده و خواستار مسؤولیت مستقیم شرکت های بیمه است.

این موضع کاملاً درست و منطقی است زیرا بخش خصوصی بهتر از دولت می تواند با بررسی خطرات و مسائل گوناگون نرخ واقعی بیمه را مشخص کرده و مسؤولیت خود را انجام دهد اما اکنون زمان مناسبی برای سپردن مسؤولیت کامل به بخش خصوصی نیست.

«بیمه کردن صنایع و زندگی افراد در برابر حمله های تروریستی به هیچ عنوان مسأله ساده ای نیست زیرا اولاً حمله های تروریستی هیچگاه قابل پیش بینی نبوده و همچنین در صورت بروز یک حمله میکروبی، شیمیایی و یا هسته ای هیچ شرکتی توانایی پرداخت خسارت های وارده را نخواهد داشت.»

اکونومیست افزود: به همین دلیل است که حکومت آمریکا برای جلوگیری از بروز بی ثباتی در بازار و اطمینان دادن به شرکت های بیمه باید قانون خطر بیمه تروریستی را همچنان برای حداقل دو سال دیگر تمدید کند.

به نوشته هفته نامه انگلیسی، دولت آمریکا می تواند با ایجاد برخی تغییرات در این قانون از مسؤولیت دولت کاسته و مسؤولیت شرکت های بیمه رادرحد منطقی افزایش دهد.

صادرات غیرنفتی تا ۵ سال آینده به حد صادرات نفتی می رسد

ایسنا: «اتاق بازرگانی ایران در نظر دارد با افزایش اقدامات حمایتی خود از صادرات حجم آن را در مدت پنج سال آینده به حجم صادرات نفت برساند.»

اسداله عسگرآولادی - عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع معادن ایران و رئیس اتاق های مشترک چین، استرالیا و روسیه - که اخیراً نیز ریاست کنفدراسیون تازه تأسیس صادرات را بر عهده گرفته است در گفت وگو با خبرنگار ایسنا، با اشاره به حضور نمایندگان ۱۵ اتحادیه صادراتی کشور در این کنفدراسیون تأکید کرد: «اتاق ایران در راستای تأکید رئیس جمهور برای توسعه صادرات، مشکلات اتحادیه ها را از طریق تشکیل کنفدراسیون به بدنه دولت منتقل کند.» به گفته وی اتاق ایران از دو سال قبل هم تشکیل مجمع صادر کنندگان را در دستور کار داشت که ایجاد آن طولانی شد.

عسگرآولادی هدف از ایجاد کنفدراسیون را دسته بندی مشکلات صادر کنندگان و حل موانع مقررات، افزایش زمینه های صادرات و نیز بازاریابی جهانی کالاهای تولید داخل عنوان کرد.

وی خبرداد: «نخستین جلسه کنفدراسیون صادرات با حضور ۱۵ تن از رؤسای اتحادیه ها و انجمن های صادراتی اواسط این هفته تشکیل خواهد شد که اصلی ترین محور دستور جلسه آن بررسی راهکارهای اجرایی چگونگی کاهش نرخ تسهیلات و بهره بانکی صادرات به ۹ درصد است.»

وی اظهار داشت: «برای رشد و توسعه صادرات باید تلاش کنیم تا همگام با افزایش کیفیت کالاهای صادرات، بازارهای هدف را به نحو شایسته ای شناسایی کنیم.»

به اعتقاد رئیس کنفدراسیون صادرات اتاق ایران بهره بانکی صادرات باید یک رقمی باشد چراکه بهره دو رقمی رقابتی نیست و مشکل ساز است، بنابراین می توان برداشت از حساب ذخیره ارزی را یکی از راهکارهای حمایت جدی از صادرات دانست.

تولید سالانه ۲۸ میلیون تن فولاد برنامه ریزی می خواهد

مدیر عامل شرکت ملی فولاد در گفت وگو با «ایران»:

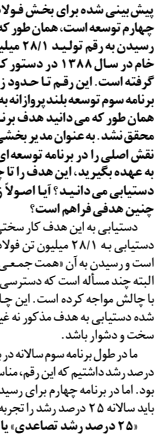

گفت و گو : علی غفوری

اشاره: محمد رحیم رستی مدیر عامل شرکت ملی فولاد ایران با بیش از دو دهه سابقه کار در کارخانجات فولادی کشور معتقد است هدف برنامه چهارم توسعه کشور در بخش تولید فولاد قابل دستیابی است اما به شرط آنکه به سرعت عمل کنیم و مانند ۸ ماه اول امسال به عنوان سال اول اجرای برنامه چهارم زمان را از دست ندهیم.

وی می گوید: سرعت ما «کند» است و حتی طی سال های اخیر با وجود رشد سریع تولید فولاد در کشور چون دنیا نیز رشد سریعی را در تولید فولاد تجربه می کند، هنوز سهم ما کمتر از یک درصد جهان است.

رستی که پیش از این معاون برنامه ریزی و توسعه شرکت تهیه و تولید مواد معدنی و قبل از آن نیز ده ها سال مدیر و معاون فولاد خوزستان بوده، از زمانی یاد می کند که عراق در یک روز ۹۰ موشک و راکت به مجتمع فولاد خوزستان پرتاب کرد. وی می افزاید: با این همه فولاد خوزستان بدون حضور کارشناسان خارجی راه اندازی شد. پس می توانیم اگر اراده کنیم، در دوران صلح به هر هدفی برسیم. در ادامه، مشروح گفت وگو با مدیر عامل شرکت ملی فولاد ایران را می خوانید.

آقای رستی، سؤال اول من درباره برنامه پیش بینی شده برای بخش فولاد طی برنامه چهارم توسعه است. همان طور که اطلاع دارید، رسیدن به رقم تولید ۲۸/۱ میلیون تن فولاد خام در سال ۱۳۸۸ در دستور کار دولت قرار گرفته است. این رقم تا حدود زیادی مشابه برنامه سوم توسعه بلند پروازانه به نظر می رسد. همان طور که می دانید هدف برنامه سوم نیز محقق نشد. به عنوان مدیر بخشی که قرار است نقش اصلی را در برنامه توسعه ای فولاد کشور به عهده بگیرید، این هدف را تا چه اندازه قابل دستیابی می دانید؟ آیا اصولاً زیربناها برای چنین هدفی فراهم است؟

دستیابی به این هدف کار سختی است. برنامه دستیابی به ۲۸/۱ میلیون تن فولاد کار سنگینی است و رسیدن به آن «همت جمعی» می خواهد. البته چند مسأله است که دسترسی به این هدف را با چالش مواجه کرده است. این چالش ها سبب شده دستیابی به هدف مذکور نه غیر ممکن ولی سخت و دشوار باشد.

ما در طول برنامه سوم سالانه در بخش فولاد ۱۱ درصد رشد داشتیم که این رقم، مناسب و قابل توجه بود. اما در برنامه چهارم برای رسیدن به این هدف باید سالانه ۲۵ درصد رشد را تجربه کنیم.

«۲۵ درصد رشد تصاعدی» یا متوسط سالی ۲۵ درصد؟

تصاعدی و نه متوسط. این هدف بزرگی است الآن بالاترین رشد تولید فولاد را در دنیا کشور چین با سالانه ۲۰ درصد رشد تولید در اختیار دارد. از طرف دیگر، با تغییر دولت با برخی تغییر روش و دیدگاه مواجهیم که بر روی توسعه فولاد بی اثر نبوده و نیست. دولت جدید توسعه عدالت را همپای توسعه اقتصادی می خواهد. رئیس جمهور محترم اخیراً گفته اند طرح های توسعه فولاد را با دو شرط می پذیریم. اول آنکه بخش خصوصی در آن نقش مهمی را بازی کند و دوم آنکه در جهت عدالت اجتماعی باشد. به این معنا که توسعه فولاد در بخش های محروم را به همراه داشته باشد. این مسأله اگرچه عدالت را برای مناطق محروم به همراه خود دارد و سبب پیشرفت مناطق دورافتاده کشور و یا توسعه بخش خصوصی می شود اما از آن طرف دستیابی به هدف برنامه پنج ساله چهارم را اندکی با مشکل مواجه می کند.

دلیل آن نیز مشخص است؛ اگر بخواهیم برای توسعه ۲۵ درصد در سال فولاد، از بخش خصوصی استفاده کنیم، باید «اندازه های اقتصادی» را بسیار کمتر کنیم تا در بخش خصوصی رغبت به سرمایه گذاری ایجاد شود. چرا که بخش خصوصی حاضر به حضور در طرح های سنگین اقتصادی نیست. از طرف دیگر، اگر بخواهیم این طرح ها را در بخش های مختلف کشور پراکنده کنیم، با مشکل کمبود زیربناها مواجه می شویم. مثلاً بسیاری از طرح های توسعه ای ما در کنار ذوب آهن اصفهان، فولاد مبارکه و فولاد خوزستان توجیه دارند. چرا که در این مناطق با یک سرمایه گذاری اندک طرح های توسعه انجام می شود اما در مناطق جدید و «بکر»؛ هم به سرمایه گذاری بیشتر احتیاج داریم و هم سرعت توسعه ما کند می شود. ببینید ما در توسعه فولاد به حمل و نقل به عنوان یک شاخص کلیدی نگاه می کنیم، چرا که به ازای هر تن تولید فولاد به جابه جایی ۳ تن مواد اولیه نیاز داریم. یعنی برای دستیابی به هدف ۲۸/۱ میلیون تنی برنامه چهارم در سال ۸۸ به حدود ۹۰ میلیون تن ظرفیت برای حمل و نقل مواد معدنی احتیاج داریم. بنابراین حمل و نقل نیز یکی دیگر از گلوگاههای بر سر راه توسعه ظرفیت فولاد است. برای آنکه نشان دهم هزینه حمل چه رقمی از قیمت تمام شده فولاد را به خود اختصاص می دهد، یک مثال می زنم. هزینه حمل یک تن سنگ آهن از چادرملو و یا گل گهر در مرکز ایران به فولادسازی های خوزستان تقریباً معادل قیمت یک تن سنگ آهن است. یعنی قیمت سنگ آهن برای یک کارخانه فولادسازی در جوار گل گهر معادل نصف قیمت آن در خوزستان است. منطقی است مابین عدالت اجتماعی و توسعه بخش فولاد یک تعادل (بالانس) ایجاد کنیم و ببینیم این صرفه در کجا وجود دارد که کارخانه ساخته شود. خوشبختانه قبلاً تک تک استانهای کشور شناسایی شده و قابلیتهای آنها نیز دیده شده و باید طرح های توسعه ای را در استانهایی اجرا کنیم که صرفه اقتصادی داشته باشد.

اکنون که عدالت اجتماعی را عنوان یک اولویت مطرح شده، آیا نمی توان طرح های توسعه ای را در مناطقی اجرا کرد که در کنار محرومیت از مزیت وجود سنگ آهن نیز برخوردار هستند؟

خوشبختانه سنگ آهن کشور، بیشتر در مناطق محروم است اما برای توسعه فولاد به انرژی و آب و سیستم حمل و نقل نیز نیاز داریم. مثلاً در خراسان و یزد سنگ آهن به وفور یافت می شود اما در کنار این مزیت ما با کمبود شدید آب مواجهیم. بحث وجود نیروی متخصص نیز چندان مطرح نیست زیرا می توان برای اجرای طرح ها از مردم بومی استفاده کرد و حتی در بین همان مردم بومی متخصصان موردنیاز پیدا می شوند (امروز دانشگاه آزاد این شرایط را ایجاد کرده است). در مجموع می توانم بگویم می توان به اهداف عدالت اجتماعی، اشتغال زایی و رفع محرومیت در کنار صرفه اقتصادی رسید اما بالانس کردن اینها با هم ممکن است ما را به رشد تصاعدی ۲۵ درصد فولاد نرساند.

از صحبتهای شما یک برداشت دیگر هم کردم. شاید منابع سنگ آهن و منابع انرژی من نزدیک به هم نباشد و همین خودش مشکلی را ایجاد کند. چون شما می فرمایید که این دو تا پارامتر اصلی هستند و منابع انرژی ما بیشتر در جنوب است، پس ما باید بتوانیم توزیع جغرافیایی کارخانه های فولادمان را طبق برنامه و آن گونه که دلمان می خواهد، پیش ببریم.

این مسائل در برنامه ای که از قبل پیش بینی شده بود، دیده شده حتی توسعه فولادی خراسان توسعه قابل توجهی است یعنی قرار است نهایتاً دو تا ۲/۴ میلیون تن فولاد در استان خراسان ایجاد بشود. گاز طبیعی هم نزدیک منطقه است. سنگ آهن هم هست. حتی مناطقی انتخاب شده که مشکل آب هم ندارند. بحث حمل و نقل هم آنجا بررسی شده و جواب می دهد منتهی اگر بخواهید این برنامه ها را به واحدهای کوچک و در سطح استان خراسان گسترش بدهید، آن وقت مسأله مقداری عوض می شود ولی در این مقوله دیده شده کل این ۲/۸ یا حدود ۵ میلیون تن فولادی که در استان خراسان تولید خواهد شد در ۲ تا ۳ نقطه بیشتر نخواهد بود. اگر ۲ یا ۳ نقطه بشود ۱۰ نقطه اصلاً صورت مسأله عوض می شود و از بعد اقتصادی متفاوت می شود. البته راهی که الآن دولت پیش می گیرد می تواند راه مفیدی باشد که سریع می شود به آن رسید.

من تمام فولادسازی های دولتی هند را دیدم. هند کشور بسیار بزرگی است، شبه قاره است، دولت در گوشه و کنارش برای توسعه کارخانه فولاد تأسیس کرده، منتهی حتی مطالعه هم شده که این کارخانه فولاد آنجا توجیه داشته باشد. اگر نداشته باشد، نمی تواند به حیات اش ادامه بدهد. حتی در آنجا به صورتی هست که حالا نمی دانم جدیداً عوض شده باشد چون تقریباً ۶-۷ سال پیش بازدید می کردم. مثلاً یک کارخانه ۳ میلیون تن را پرسیدم چقدر نیرو دارید، گفتند ۳۰ هزار نفر. یک کارخانه ۳ میلیون تنی باید ۳ هزار نفر نیرو داشته باشد شما چطور ۳۰۰۰۰ هزار نفر نیرو دارید. گفت مدیر عامل آنجا به نوعی شهردار آن شهر هم است. همه کارگرهای شهرداری هم در روز آنجا کار می کنند. در واقع پرسنل شهرداری به نوعی زیرنظر آن مدیر عامل بود. یعنی دقیقاً با دید ایجاد اشتغال به نوعی ایجاد عدالت اجتماعی ایجاد شدند منتهی لازمه اش این است که در کنارش مطالعه ای هم انجام شود و آنها این کار را انجام داده بودند. چون اگر این کارانجام نشود و واحد نتواند اقتصادی کار بکند در آینده نه تنها کمکی به منطقه نخواهد بود بلکه به یک معضل تبدیل می شود. این چیزهایی است که الآن باید لحاظ بشود و از هم اکنون در مطالعات در نظر گرفته شود. به همین دلیل در روزهای اخیر در حال هماهنگ سازی های لازم برای تکمیل کردن این مطالعات را «بعد عدالت اجتماعی» بوده ام.

من فکر می کنم مقامات ارشد اجرایی کشور اهمیت بخش فولاد را دریافته اند اما از آن طرف هم فکر می کنم در کشور ما اصولاً تصمیم گیریها «کند» است.

آقای مهندس، فکر می کنید چهارسال و چند ماهی که تا پایان برنامه چهارم باقی مانده کافی است تا به این ظرفیت برسیم.

به این سؤال باید به دو شکل نگاه کرد. اگر ماتصمیم داشته باشیم به این ظرفیت برسیم و همه همت کنند، می شود رسید. چند گلوگاه دارد. گلوگاه اولش تأمین این سرمایه است. عدد بسیار درشت است. ما از نظر ارزی ۲ میلیارد و ۷۴۰ میلیون دلار پول می خواهیم.

و از نظر ریالی نیز ۲ هزار و چهارصد میلیارد تومان. البته یکی از بخشها این است که بخش خصوصی وارد کار شود اما من بخش خصوصی سراغ ندارم که بتواند این رقمها را تأمین کند. چون بخش خصوصی کشور ما در زمینه سرمایه گذاری حداقل در فولاد چشم به صندوق ذخیره ارزی دارد.

یعنی کسی خودش پول ندارد که بیاورد. اگر بخواهیم، خود مردم را به صورت جزء تقسیم کنیم سرمایه گذار جزء پولی می گذارد و می خواهد سال دیگر از سود آن بهره ببرد. یعنی یک کار اقتصادی، یا بازدهی داشته باشد. و از آن کار سودی عایدش بشود و باز هم بتواند ادامه بدهد. حوصله ای که چند سال طول بکشد تا طرح اجرا بشود و نوسان داشته باشد چنین تحملی در بخش عمومی و سرمایه گذاری جزء نیست.

سرمایه گذاران بخش خصوصی می خواهند به نوعی به دولت بدهکار بشوند بعد از محل درآمد کارخانه آن بدهی را پرداخت کنند همچنین پولی را تأمین نخواهند کرد.

ببخشید تا ازاین بحث خارج نشدیم آیا ۱۲ میلیون تن از این ۱۷ میلیون تن به عهده دولت است؟

بله

یعنی ۵ میلیون به بخش خصوصی سپرده شده؟

حتی آن ۵ میلیون تن بخش خصوصی هم چشم به صندوق ذخیره ارزی دارد و اینکه به دنبال وام دولتی است.

آیا بخش خصوصی فعلی فولاد این توان را دارد؟

فولادکاران بخش خصوصی بیشتر نوردها هستند که الآن با مسائل عدیده ای روبرو هستند. الآن خصوصاً با رکودی که در کشور است، محصولات نوردی فروش نمی رود. قیمت میل گرد برابر با قیمت شمش به اضافه هزینه حمل و «پرتی» که در خط دارد تا به میل گرد تبدیل بشود یعنی کسی که بخواهد نورد کاری که می خواهد میل گرد تولید کند، اگر هیچ هزینه ای نداشته باشند، دستمزد، انرژی و هیچ پرداخت نکنند، پول قیمت میل گرد و پول شمش سر به سر است که خیلی از اینها در شرف تعطیلی هستند و تا زمانی هستند که رونق ساخت و ساز در کشور ایجاد نشود، اینها عملاً نمی توانند بیایند و همین باعث شده آنهایی که می خواهند سرمایه گذاری بکنند و این عدد کلان را بیاورند، اگر وضع فعلی را ببینند تمایلی به سرمایه گذاری نشان نخواهند داد.

در بحث حمل و نقل و انرژی نیز باید بحث توسعه راه آهن را با جدیت دنبال کنیم البته اگر مکان یابی درستی صورت گیرد واحدهای تولیدی بایدنزدیک به منابع انرژی و سنگ آهن به صورت توأمان باشد. خوشبختانه مشکل کمبود نیروی متخصص را نداریم. اگرچه، باید اذعان کنم امروزه درخواستهای این نیروها بسیار بیشتر از دو دهه قبل است.

اگر بخواهم صحبتهایم را جمع بندی کنم، باید بگویم دستیابی به ۲۸ میلیون تن تولید فولاد عملی است. البته به شرطی که شرایط آن را فراهم کنیم. امیدوارم به این ظرفیت برسیم چرا که در این صورت طرح توسعه بخش فولاد، ۳۵ هزار شغل مستقیم و ۷۰۰ هزار شغل غیر مستقیم ایجاد می کند و در این صورت اشتغال کل ۲۸ میلیون تن تولید فولاد به ۹۰ هزار نفر و اشتغال مرتبط با این بخش (از جمله نیروهایی که باید در حمل حدود ۳۰ میلیون تن فولاد و ۶۰ میلیون تن سنگ آهن، زغال سنگ و انرژی فعالیت کنند) به ۱/۷ میلیون نفر می رسد.

به توسعه بخش فولاد امیدوارم چرا که ما دومین دارنده گاز دنیا، دومین دارنده نفت دنیا و دارنده ذخایر عظیم سنگ آهن هستیم. به طوری که حتی با ۳۰ میلیون تن تولید فولاد تا ۲۰ میلیون تن سنگ آهن قابل استخراج داریم.

اما باز هم تأکید می کنم همه باید بخواهند تا این کار انجام شود. ما امسال را از دست دادیم. ۸ ماه سال تمام شده و این وظیفه ما را در سالهای ۸۵، ۸۶، ۸۷ و ۸۸ سخت تر می کند.

آیا تمام این طرح های توسعه ای و جای آنها مشخص و ظرفیت تک تک آنها بررسی شده است؟

به تمامی اینها مشخص شده، اینها ۲۱ طرح به ظرفیت ۱۷ میلیون تن هستند. البته ما بحث گسترش عدالت اجتماعی را نیز درطرحهای خود دیده ایم.

عمده این طرح ها در خراسان ایجاد می شود که استانی محروم است، استانهای یزد، کرمان و خوزستان نیز به عنوان مناطق محروم از این طرحها بهره می برند. استان اصفهان نیز در کنار طرح های گذشته خودطرح های جدیدی برای توسعه خواهد داشت.

آقای رستی، چرا با وجود آنکه در تولید فولاد مزیت نسبی داریم، طوری که توانسته ایم حتی بحرانهای فولادی جهان را به خوبی با تعرفه های ۱۰ درصدی پشت سربگذاریم، آنگونه که باید به توسعه این بخش توجه نمی شود؟

چرا سیستم بانکی کشور پشتیبان این طرح ها نیست؟ و با وجود آنکه سرمایه گذاری در فولاد سودآور است، چرا باید ظرفیت تولید فولاد ما در سال ۸۳ به جای ۱۲/۵ میلیون تن پیش بینی برنامه سوم، حدود ۱۰ میلیون تن باشد؟

آیا فکر می کنید در سطوح بالای تصمیم گیری کشور اهمیت توجه به فولاد در تصمیم گیریها لحاظ می شود؟

من فکر می کنم مقامات ارشد اجرایی کشور اهمیت بخش فولاد را دریافته اند اما از آن طرف هم فکر می کنم در کشور ما اصولاً تصمیم گیریها «کند» است.

رشد فولاد ما در سالهای اخیر خوب بوده اما چون رشد تولید جهانی نیز بسیار سریع بوده، هنوز سهم ما از تولید فولاد جهان ۸ دهم درصد است. فولاد در کشور نسبت به سایر بخشهای اقتصادی بسیار قدرتمند است مثلاً امروز اگر درهای کشور گشوده شود و واردات بدون تعرفه انجام شود، فولاد آسیبی نمی بیند اما صنعتی مانند خودرو به شدت ضربه می خورد. ما باید خود را با جهان مقایسه کنیم. قدرتهای فولادی جهان در دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی داشته اند. من به عنوان یک مسؤول از فعالیت بخش خودم راضی نیستم. من سرعت بیشتری می خواهم البته کندی حرکت در کشور نیز دلایل خاص خود را دارد. ما شایسته جایگاهی بسیار بالاتر از این در بخش فولاد هستیم.

ادامه دارد

نفت ارزان قیمت ونزوئلا برای فقیران آمریکایی

شرکت دولتی نفت ونزوئلا اعلام کرد: درپی وعده «هوگو چاوز» رئیس جمهوری این کشور برای کمک به مردم فقیر آمریکا ازطریق کاهش هزینه های سوختی، این کشور به زودی فروش نفت حرارتی ارزان قیمت را به ساکنین فقیر شهرهای «بوستون» و «نیویورک» در آمریکا آغاز خواهد کرد.

به گزارش ایرنا آسوشیتدپرس از کاراکاس خبر داد که شرکت دولتی نفت ونزوئلا گفت: «سیتگو» یک نهاد وابسته به این شرکت تا پایان هفته جاری، سوخت ارزان قیمت را در شهر «بوستون» ماساچوست توزیع خواهد کرد.

این بیانیه حاکی است: با اجرای نخستین مرحله این برنامه، که توزیع بیش از ۴/۵ میلیون لیتر (۱/۲ میلیون گالن) نفت حرارتی با نرخ قابل پرداخت برای همه در بوستون خواهد بود، ۱۰ میلیون دلار آمریکا در این مناطق صرفه جویی خواهد شد.

برپایه همین گزارش، نفت حرارتی ارزان ونزوئلا قرار است در «برونکس» که یکی از فقیرترین مناطق نیویورک است نیز توزیع شود.

«چاوز» ماه سپتامبر از منطقه «برونکس» دیدار و دو هفته بعد اعلام کرد شرکت «سیتگو» مایل به تهیه نفت ساکنین این منطقه است. شرکت «سیتگو» اعلام کرد توزیع این نفت حرارتی ارزان قیمت با کمک سازمان های محلی غیرانتفاعی سازماندهی خواهد شد. شرکت یادشده تقریباً ۱۶ هزار جایگاه گاز را در آمریکا اداره می کند.

«چاوز» غالباً نظام سرمایه داری لجام گسیخته را عامل وضع اسفناک فقیران می داند و به شدت از دولت «جرج بوش» رئیس جمهور آمریکا به خاطر ناکامی در کاهش فقر در این کشور انتقاد می کند.

باوجودی که تنش بین آمریکا و ونزوئلا از زمان پیروزی «چاوز» در سال ۱۹۹۸ تاکنون افزایش یافته است، اما این کشور نفت خیز آمریکای جنوبی همچنان تأمین کننده عمده سوخت آمریکاست.

افزایش چشمگیر تورم در اندونزی

ایلنا: شاخص قیمت مصرفی (CPI) در اندونزی، در طول ۱۰ ماهه اول سال، ۲/۹ درصد افزایش داشت.

بر اساس گزارشات اداره آمار اندونزی، شاخص قیمت مصرفی CPI در این کشور در طول ۱۰ ماهه اول سال، با ۲/۹ درصد افزایش به سقف ۱۰۸/۷ رسید.

مقامات مسؤول، افزایش هزینه های حمل و نقل، مواد خوراکی و تنباکو را دلیل اصلی این شرایط عنوان کردند.

گزارشات حاکی است، شاخص هزینه حمل و نقل و ارتباطات در طول دوره مذکور ۴/۲ درصد، شاخص قیمت مواد خوراکی ۳/۶ درصد و شاخص قیمت تنباکو و مواد نوشیدنی بیش از ۱۱/۵ درصد افزایش داشت.

بیش از ۷۸/۶ درصد از کل افزایش تورم در اندونزی در طول ۱۰ ماهه اول سال مربوط به افزایش این کالاها عنوان شده است.

ساخت خط لوله گاز شمال اروپا امسال آغاز خواهد شد

شانا: ویکتور خریستنکو، وزیر صنایع و انرژی روسیه، گفت: ساخت خط لوله گاز شمال اروپا که شبکه های خط لوله گاز روسیه و آلمان را به هم متصل خواهد کرد، امسال (۲۰۰۵) آغاز خواهد شد.

خریستنکو تأکید کرد: «خط لوله گاز شمال اروپا امسال از حرف به عمل در خواهد آمد و ما شاهد برپایی کارگاه بزرگی خواهیم بود که هدف از آن تضمین امنیت انرژی اروپاست.» از سوی دیگر، وی در باره خط لوله گاز موسوم به «بلواستریم» که از روسیه به ترکیه کشیده می شود، خاطرنشان کرد که این خط لوله بدون شک انشعابات دیگری هم خواهد داشت.

وی افزود که پیشنهادهای مربوط به خط سیر این خط لوله گاز برای انتقال گاز روسیه به جنوب اروپا از طریق ترکیه و بویژه محور های یونان و بالکان آن از قبل مورد بحث قرار گرفته اند.

چین ۷۰ فروند هواپیمای بوئینگ «۷۳۷ بی» از آمریکا خرید

ایسنا: قرارداد خرید ۷۰ فروند هواپیمای بوئینگ «۷۳۷ بی» توسط چین روز یکشنبه بین مقامات چین و آمریکا در پکن امضا شد.

این قرارداد همزمان با سفر «جرج بوش» رئیس جمهوری آمریکا به پکن بین شرکت صادرات و واردات هواپیمایی چین و شرکت بوئینگ امضا شد.

براساس این قرارداد که ارزش آن چهارمیلیارد دلاراعلام شده است شرکت بوئینگ بین سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ میلادی وبیش از برگزاری المپیک پکن، این هواپیماها را تحویل چین خواهد داد.

این هواپیماها که هر کدام گنجایش ۱۵۰ مسافر را دارد، در اختیار خطوط هوایی چین قرار خواهد گرفت. روزنامه «ساوت چاینا مورنینگ پست» چاپ هنگ کنگ روز شنبه، اعلام کرده بود، چین درباره خرید ۱۵۰ فروند هواپیمای مسافربری جدید باآمریکا مذاکره می کند. به گزارش «چاینا دیلی» چین قصد دارد ۸۰ فروند هواپیمای بوئینگ دیگر از آمریکا خریداری کند، اما زمان آن مشخص نیست.

براساس اعلام اداره هوانوردی چین، این کشور هرسال باید ۱۰۰ تا ۱۵۰ فروند هواپیمای جدید خریداری کند. پیش بینی می شود تا پایان سال ۲۰۱۰ میلادی چین نزدیک به یکهزارو ۶۰۰ فروند هواپیما در اختیار داشته باشد.

آمارنشان می دهد که چین براساس برنامه ریزی راهبردی توسعه صنعت هواپیمایی این کشور در دو دهه آینده به حدود دو هزار و ۳۰۰ فروند بوئینگ نیاز دارد و دراین زمینه مذاکرات گسترده ای بامقام های شرکت هواپیمایی آمریکایی بوئینگ داشته است.

ارزش این هواپیماها که چین بارها برخرید آنها تأکید کرده، ۱۸۳ میلیارد دلار برآورد شده است.